

بدان تقصیر مغنیه است

داد. فقط ۲۸ سال داشت، اما در همین سن هم [بسیاری افراد] از او وحشت داشتند. سال‌ها بعد، «کریستوفر دیکی» خبرنگار تحقیقی برجسته «نیوزویک» نوشت: «نمر ظاهراً جاسوس دوجانبه، سه‌جانبه یا چندجانبه بوده است. وی یک افسر اطلاعاتی مسیحی لبنانی بود که توسط اسرائیلی‌ها آموزش دیده بود، اما گفته می‌شد مخفیانه برای سوری‌ها به عنوان مادرخرج جاسوسانی از ایران کار می‌کرده است.»

لبنانی‌ها به حال اجازه دادند ستوالاتی را که می‌خواهد از نمر پرسد و به بازجویان لبنانی منتقل کند. در عرض ده روز حال شخصاً و به تنهایی از نمر بازجویی می‌کرد. او در اولین بازجویی از نمر، رک و پوست کنده به او گفته بود: «من یک افسر اطلاعاتی آمریکایی هستم. تو که واقعاً فکر نمی‌کردی می‌توانی سفارت ما را منفجر کنی و ما هم هیچ کاری در این باره انجام ندهیم، ها؟» حال به نمر هشدار داده بود که هموطنان لبنانی‌اش قرار نیست او را آزاد کنند و گفته بود: «چنین اتفاقی نخواهد افتاد. تو مال من هستی. من هستم که تصمیم می‌گیریم چه بلایی بر سر تو خواهد آمد. تنها چیزی که می‌تواند جان بی‌ارزش تو را نجات دهد، این است که با من همکاری کنی.» وقتی نمر از اعتراف کردن امتناع کرد، او را به سلولی بردند و دو روز در حالت ایستاده نگه داشتند. هنگامی که او را برای جلسه بازجویی دیگری آوردند، حال صندلی را از زیر پایش لگد زد. هنوز هم از صحبت کردن خودداری می‌کرد. حال می‌گوید: «دوباره او را به سلولش فرستادم و گفتم بارها و بارها آب رویش بریزند و پنکه بزرگی را بالای سرش روشن کنند. حدود ۲۴ ساعت او را در سرمای سختی نگه داشتیم. بعد از این اتفاق وقتی [به اتاق بازجویی] برگشت، می‌توانستی ببینی حالش دارد عوض می‌شود. او کم‌کم داشت می‌فهمید که هیچ‌کس قرار نیست نجاتش بدهد.»

در جلسات بعد، حال تماشا می‌کرد که چگونه